

پژوهش‌نامه نقد وهابیت؛ سراج منیر ◊ سال هفتم ◊ شماره ۲۵ ◊ بهار ۱۳۹۶
صفحات: ۹۹-۱۲۶ ◊ تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۱ ◊ تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۰۲/۰۱



وهابیت و تحریف متون دینی

عبدالرحمن باقرزاده*

چکیده

یکی از جلوه‌های فریب و نیرنگ بدخواهان، دست‌کاری در اسناد و تحریف متون ارزشمند دینی است. دسیسه تحریف، سابقه‌ای طولانی در تاریخ دارد و قرآن کریم نیز در آیات گوناگون به آن پرداخته و تحریف‌گران را مورد سرزنش فراوان قرار داده است. در این بین، سلفیه و به‌ویژه وهابیان، در میان جامعه اسلامی دارای سوابق متعددی هستند. سؤال این است که آیا می‌توان نمونه‌های مستندی از این اقدام وهابیان در آثار دینی ارائه کرد؟ این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخی مستدل و منطبق با واقعیت‌های عینی برای پرسش فوق بوده است و سعی دارد با استناد به منابع معتبر، مثبت بودن پاسخ پرسش فوق را به اثبات برساند.

کلیدواژه‌ها: وهابیت، تحریف، متون دینی.

* استادیار دانشگاه مازندران.

a.bagherzadeh@umz.ac.ir

بیان مسئله

از وظایف محققان در مواجهه با متون و آثار دینی، مراقبت از اصالت آنها برای انتقال سالم به نسل‌های آینده است که لازمه اصل امانت‌داری محسوب می‌شود. متأسفانه منابع دینی و آثار بزرگان اسلامی به‌مرور زمان دچار معضلی به‌نام «تحریف» شده‌اند که به دست عده‌ای متعصب و نادان و با اغراضی گوناگون صورت پذیرفته است و بررسی این اهداف به تحقیق مستقلی نیاز دارد.

منظور از واژه «تحریف» که از ریشه «حرف» به‌معنای «مرز، لبه، کناره» سرچشمه گرفته است، به‌حاشیه بردن معنای لفظ و ایجاد نوعی دگرگونی و انحراف در مقصود گوینده است.^۱ دگرگونی یادشده می‌تواند از طریق جابه‌جا کردن واژه‌ها، اعراب آنها، تغییر ساختار جمله‌ها یا تفسیر نادرست آنها باشد. برخی تحریف را به «تغییر و تبدیل» معنا کرده‌اند که جامع‌تر است؛ با این تفاوت که در تحریف، سعی بر القای معنایی خلاف مقصود است. تحریف گاهی بدون تغییرات لفظی و ظاهری و همراه با القای معنای نادرست صورت می‌گیرد که از آن با عنوان «تحریف معنوی» یاد می‌شود. در این نوع تحریف، تحریف‌گران بدون آنکه به ساختار متن آسیبی وارد سازند، در مقصود گوینده و نویسنده متن، تصرف می‌کنند و برخلاف مقصود صاحب کلام، به‌گونه‌ای به تأویل و تفسیر آن می‌پردازند که چه‌بسا گوینده متن را نیز به تعجب وادارند. نمونه‌های فراوانی از تحریف معنوی در تفسیر آیات الهی وجود دارد که معارف قرآن دگرگون شده است و تلاش می‌شود تا آیات مدح الهی، بر چهره‌هایی طردشده، و آیات مذمت، بر انسان‌هایی والامقام تطبیق یابد. چنان‌که امام جواد علیه السلام بعد از اشاره به پیشوایان یهودی، راهبان و اقدامات آنها فرمودند:

تَمَّ اعْرِفَ أَشْبَاهَهُمْ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ الَّذِينَ أَقَامُوا حُرُوفَ الْكِتَابِ وَحَرَّفُوا حُدُودَهُ؛^۲
نظایر آنها را در میان این امت بشناس؛ آنها که الفاظ کتاب الهی را حفظ و
حدودش را تحریف نمودند.

۱. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۳۶.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۶۰.

تغییر و دست‌اندازی در متن اسناد، که از آن با عنوان «تحریف لفظی» نام برده می‌شود، گاهی با افزودن الفاظ، گاهی با حذف بخشی از آن و در پاره‌ای از مواقع با تبدیل و جابه‌جایی صورت می‌گیرد که در آن، واژه‌هایی جایگزین واژه‌های مترادف یا غیرمترادف می‌شود؛ به‌گونه‌ای که معنا را مخدوش می‌کند. در مواردی نیز تحریف، در لحن و گویش صورت می‌گیرد که همان تغییر در حرکات و نحوه ادای واژگان است؛ به‌گونه‌ای که معنای اصلی کلمه فهمیده نشود.^۱

در تاریخ، یهود قهرمان تحریف بوده است و قرآن کریم در آیات متعددی مانند آیات ۷۵، ۱۴۶ و ۱۵۹ سوره بقره به اقدامات آنها اشاره، کار آنها را تقبیح کرده و آنان را مورد لعن قرار داده است.

متأسفانه این امر در تاریخ اسلام نیز پیشینه تلخی داشته است و تحریف گسترده‌ای را در منابع دینی و آثار دانشمندان، با اهداف گوناگون شاهد بوده‌ایم که ضربات هولناکی از ناحیه آن بر پیکره گنجینه اسلامی وارد شده است که در کتاب سانسور حقیقت نوشته نگارنده این مقاله، به نمونه‌هایی عینی از این تحریف‌ها پرداخته شده است.

در این میان، وهابیان گوی سبقت را از دیگران ر بوده و به دلیل جمود شدید اندیشه و تفکر خود، بسیاری از آثار را مورد دستبرد قرار داده‌اند و با انواع تحریف‌ها، سعی در منطبق نشان دادن تفکرات خود با آثار اصیل پیشینیان دارند. شمار این تحریفات بسیار گسترده است، ولی با توجه به ضرورت حساسیت و مراقبت بیشتر از گنجینه دینی، این تحقیق در پی ارائه مستند صرفاً چند مورد از این اقدام نامناسب آنها است.

از آنجا که برخی نویسندگان سلفی همانند دهلوی در جای‌جای کتاب تحفه اثناعشریه و علی سالوس در مبحث عقیده از کتاب پژوهشی پیرامون اصول و فروع شیعه دوازده‌امامی از جمله فصل چهارم آن، سعی دارند تا شیعیان را به تحریف آثار دینی متهم نمایند، ضرورت این تحقیق بیشتر روشن می‌شود. این تحقیق، در کنار آشنایی با این ترفند

۱. «تحریف قرآن»، سایت دانشنامه اسلامی، آدرس:

http://wiki.ahlolbait.com/%D8%AA%D8%AD%D8%B1%DB%8C%D9%81_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86

سلفی‌ها، اثبات می‌کند که آنان سابقه تاریکی در تحریف حقیقت داشته‌اند و با فرافکنی نمی‌توانند خود را از این اتهام تبرئه نمایند.

ابن تیمیه و تحریف حدیث منزلت

ابن تیمیه در کتاب منهاج السنة النبویة پس از تشکیک در مضمون حدیث منزلت، اختصاص

فضیلت مطرح شده در این روایت را به امام علی علیه السلام، مورد خدشه قرار می‌دهد و می‌گوید:

ثبت في الصحيحين من قول النبي صلى الله عليه وآله في حديث [...] قال: مثلك يا أبا بكر كمثل إبراهيم إذ قال ﴿فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي﴾^۱ ومثل عيسى إذ قال: ﴿إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عَبَادُكَ﴾^۲ ومثلك يا عمر مثل نوح إذ قال: ﴿رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا﴾^۳ ومثل موسى إذ قال: ﴿رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ﴾^۴؛^۵

در صحیحین از پیامبر صلى الله عليه وآله ثابت و وارد است که فرمودند: «ای ابوبکر، مَثَل تو، مَثَل ابراهیم و عیسی صلى الله عليه وآله است. و مَثَل تو ای عمر، مَثَل نوح و موسی صلى الله عليه وآله است که [...]».

و در ادامه می‌گوید:

فَإِنَّ نوحاً وإبراهيم وموسى وعيسى أعظم من هارون؛^۶
قطعاً نوح، ابراهیم، موسی و عیسی صلى الله عليه وآله بالاتر از هارون هستند.

وی این مطالب را بیان می‌کند تا با توجه به برتری این پیامبران صلى الله عليه وآله بر هارون صلى الله عليه وآله، چنین وانمود نماید که ابوبکر و عمر که به این پیامبران صلى الله عليه وآله تشبیه شدند از امام علی صلى الله عليه وآله که به هارون صلى الله عليه وآله تشبیه شده است، برتر هستند.

ابن تیمیه حدیث مذکور را نقل می‌کند و آن را به صحیحین نسبت می‌دهد. واضح است که کلمه «صحیحین» در عرف اهل سنت بر دو کتاب صحیح بخاری و صحیح

۱. سوره ابراهیم، آیه ۳۶.

۲. سوره مائده، آیه ۱۱۸.

۳. سوره نوح، آیه ۲۶.

۴. سوره یونس، آیه ۸۸.

۵. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، منهاج السنة النبویة، ج ۷، ص ۳۳۰.

۶. همان.

مسلم اطلاق می‌شود؛ بنابراین باید حدیث مذکور در این دو کتاب وجود داشته باشد؛ درحالی‌که در این کتاب‌ها هیچ اثری از این حدیث وجود ندارد. نبود این حدیث در صحیح مسلم و صحیح بخاری از دو احتمال خارج نیست:

۱. اینکه بگوییم این حدیث در زمان ابن تیمیه در این کتاب‌ها وجود داشته است و هم‌اکنون حذف شده است که این احتمال، نادرست است؛ زیرا این حدیث در فضیلت خلیفه اول و دوم است و انگیزه‌ای برای حذف آن وجود نداشته است.

۲. اینکه بگوییم ابن تیمیه آگاه بوده است که این حدیث در این دو کتاب وجود ندارد و عمداً و به قصد تدلیس و سوءاستفاده از نام مسلم و بخاری، این روایت جعلی را به آنها نسبت داده است.

ابن‌غنیمان و تحریف حدیث ثقلین

یکی از اسناد مهم در آثار اسلامی، حدیث متواتر ثقلین است که در موضوعاتی همچون امامت و عصمت مورد استناد شیعیان قرار می‌گیرد. از شیوه‌های مقابله و هائیان با این سند تاریخی، تحریف آن است.

عبدالله بن محمد الغنیمان^۱ در کتاب خود با نام السبائك الذهبية بشرح العقيدة الواسطية، حدیث ثقلین را که در صحیح مسلم تقریباً ناقص آمده است، تحریف نموده و بر میل خود کلماتی را بر آن افزوده است تا معنای آن را به‌گونه دلخواه خود القا نماید. وی در کتاب مزبور آورده است:

جاء في صحيح مسلم من حديث زيد بن الأرقم أن رسول الله ﷺ خطب في مكان يقال له غدیر خم [...] فقال: إنَّ عبداً خیرہ الله جل وعلا بین ما عنده وبين الدنيا فإختار ما عند الله... فعند ذلك بكى أبو بكر وقال ولكن نفديك بأبائنا وأمهاتنا. ثم قال: يوشك أن يأتيني رسول ربي فأجيب وإني تارك فيكم ثقلين كتاب الله وسنتي واحفظوني في أهل بيتي؛ فقال الحصين لزيد: مَنْ آل

۱. وی از مؤلفان و چهره‌های معروف و معاصر عربستان سعودی بوده و ریاست گروه عقاید را در بخش تحصیلات تکمیلی دانشگاه جامع اسلامی مدینه بر عهده داشته است. وی صاحب کرسی ارشاد و تدریس در مسجدالنبی ﷺ نیز بوده است. («عبدالله الغنیمان»، سایت ویکیپدیا، آدرس: <https://ar.wikipedia.org>).

بیته؟ قال: أليست أزواجه من أهل بيته؟ قال: بلى، قال: وأهل بيته الذين حرمت عليهم الصدقة؛^۱

در صحیح مسلم از حدیث زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر اکرم ﷺ در بازگشت از حجة الوداع در منطقه‌ای [بین مکه و مدینه] که غدیرخم نامیده می‌شود، به بیان خطبه ایستادند و فرمودند: «بنده‌ای که خداوند عز و جل او را بین آنچه نزد اوست و آنچه در دنیا است، مختار کرده است و او آنچه را که نزد خداوند است اختیار نمود [به نزدیکی رحلت اشاره دارد]...». در این حال ابوبکر گریست و گفت: «ولی ما پدران و مادرانمان را فدای شما می‌کنیم». آن‌گاه پیامبر ﷺ فرمودند: «نزدیک است که پیک مرگ از طرف پروردگار بیاید و من اجابت کنم. دو چیز را بین شما امانت می‌گذارم: کتاب خدا و سنتم را؛ حرمتم را در میان اهل‌بیتم نگه دارید». حصین به زید گفت: «منظور از آل بیت چه کسانی است؟ آیا همسران ایشان از اهل بیت ایشان نیستند؟» زید گفت: «آری و اهل بیت ایشان کسانی هستند که صدقه بر آنان حرام است».

این بود آنچه عبدالله بن محمد الغنیمان از کتاب صحیح مسلم، یکی از معتبرترین کتاب‌های عامه، نقل کرده است. حال سراغ کتاب صحیح مسلم می‌رویم و به روایت زید بن ارقم در باب حدیث ثقلین مراجعه می‌کنیم. در آنجا می‌بینیم که:

۱. در این روایت، از ابوبکر و گریه وی سخنی مطرح نشده است.

۲. در کتاب صحیح مسلم، عبارت «کتاب الله وأهل بیته» ذکر شده است؛ نه عبارت «کتاب الله وسنتی» و این دروغی است که الغنیمان به کتاب صحیح مسلم و در حقیقت به پیامبر عزیز اسلام ﷺ نسبت داده است.

۳. در روایت اشاره شده است که در جواب حصین که پرسید: «آیا همسران ایشان از اهل بیت ایشان نیستند؟» زید پاسخ داده است: «بله. از اهل بیت هستند»؛ درحالی که در متن کتاب صحیح مسلم، هرگز عبارت «قال: بلى» ذکر نشده است؛^۲ بلکه حتی در روایتی دیگر که با فاصله اندکی در کتاب صحیح مسلم نقل شده است، زید سوگند یاد می‌کند که

۱. الغنیمان، عبدالله بن محمد، السبائك الذهبية بشرح العقيدة الواسطية، ص ۴۶۳.

۲. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۱۸۷۳، ح ۲۲۴۰۸.

همسران ایشان از اهل بیت مصطلح نیستند.^۱

ابن کثیر در تفسیر خود، همین روایت را ذکر می‌کند و می‌گوید:

فقال له حصين: ومن أهل بيته يا زيد؟ أليس نساؤه من أهل بيته؟ قال: إن نساءه لسن من أهل بيته ولكن أهل بيته من حرم عليه الصدقة بعده [...] وهكذا رواه مسلم والنسائي.^۲

متن ابن کثیر نشان می‌دهد که در همین روایتی که مسلم نقل کرده است، زید نه تنها همسران را داخل در مصادیق اهل بیت ندانسته است، بلکه با صراحت گفته است: «همسران ایشان از اهل بیت نیستند».

در همین راستا تحریف دیگری نیز قابل ذکر است. در تفسیر ابن کثیر با تحقیق سامی بن محمد السلامة که در انتشارات «دار طيبة للنشر و التوزيع» در شهر ریاض به چاپ رسیده است، روایت زید تحریف شده و به صورت «أليس نساؤه من أهل بيته؟ قال: إن نساءه من أهل بيته»^۳ نقل شده است. بدین ترتیب، واژه «لسن» از آن حذف شده است تا بر صدق «اهل بیت» بر همسران پیامبر ﷺ دلالت داشته باشد.^۴

صالح بن فوزان و تحریف حدیث ثقلین

صالح بن فوزان (متولد ۱۳۵۴ق) که از شیوخ وهابی معاصر و عضو هیئت کبار العلماء و عضو مجمع فقهی سعودی است، در آغاز مبحث ۶۲ با عنوان «مبحث جایگاه سنت در اسلام» از کتاب خود، به حدیث ثقلین اشاره می‌کند و می‌گوید:

وقال ﷺ: إني تارك فيكم ما أن تمسكتم به لن تضلوا بعدي كتاب الله وسنتي؛^۵

من در میان شما امانتی می‌گذارم که اگر به آن تمسک جویند، هرگز گمراه

۱. نک: کتاب پژوهشی جدید درباره آیه تطهیر. در کتاب مزبور، نگارنده مقاله حاضر بحث مفصلی درباره این حدیث نموده است.

۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظيم، ج ۷، ص ۱۸۶.

۳. همان، ج ۷، ص ۲۰۲.

۴. <https://islamhouse.com/ar/books/2458>

۵. فوزان، صالح بن فوزان، محاضرات في العقيدة و الدعوة، ج ۴، ص ۲۵۳.

نخواهید شد: کتاب خدا و سنت من.

آن‌گاه در پاورقی، این حدیث را به کتاب سنن الترمذی که از کتاب‌های معتبر اهل سنت است، منتسب کرده و می‌آورد: «رواه الترمذی (۳۷۸۸)؛ یعنی ترمذی این حدیث را با شماره ۳۷۸۸ نقل کرده است».

همان‌گونه که ملاحظه شد، وی مانند سایر دانشمندان سلفی با انگیزه کاستن از جایگاه اهل بیت پیامبر ﷺ و کمرنگ کردن منزلت حدیث ثقلین، متن آن را دست‌کاری کرده و کلمه «سنّتی» را به جای «عترتی اهل بیّتی» نشانده است. بعد از مراجعه به کتاب سنن الترمذی مشخص می‌شود که ترمذی در باب «مناقب اهل بیت النبی ﷺ» دو بار این حدیث را با شماره‌های ۳۷۸۶ و ۳۷۸۸، به ترتیب از جابر بن عبدالله و از زید بن ارقم روایت نموده و هر دو مورد را به صورت مشهور نقل کرده است و همچنین ناصرالدین البانی، عالم سلفی و حدیث‌شناس معاصر، صحت هر دو روایت را در ذیل آنها تأیید کرده است.

ترمذی در اولین مورد آورده است:

[...] جابر بن عبدالله قال: رأيت رسول الله ﷺ [...] فسمعتة يقول يا أيها الناس، إني قد تركت فيكم ما إن أخذتم به لن تضلوا كتاب الله وعترتي أهل بيّتي.^۱

ترمذی پس از نقل روایت می‌گوید: «در همین باب از ابوذر، ابوسعید خدری، زید بن ارقم و حذیفه نیز روایاتی رسیده است». وی در روایت دوم نیز آورده است:

[...] عن زيد بن أرقم رضي الله عنهما قالا: قال رسول الله ﷺ إني تارك فيكم ما إن تمسكتم به لن تضلوا بعدي أحدهما أعظم من الآخر كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض وعترتي أهل بيّتي ولن يترفقا [...] قال: هذا حديث حسن غريب.^۲

پس روشن شد که آنچه شیخ وهابی و معاصر عربستانی، صالح بن فوزان، از ترمذی نقل کرده است، دروغی بیش نبوده است. وی جسورانه نه تنها به ترمذی بلکه به رسول

۱. ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی، ج ۵، ص ۶۶۲.

۲. همان، ص ۶۶۳.

الله ﷺ نیز دروغ بسته و سخنی را که ترمذی از آن حضرت نقل کرده است، به دلایل معلومی تحریف نموده است.

صالح بن غانم و تحریف حدیثی از کتاب مسند أحمد بن حنبل

دکتر صالح بن غانم السدلان^۱ نیز در ردیف تحریف‌گران اسناد دینی قرار دارد و در کتاب بحوث أثر ندوة القرآن في تحقيق الوسطية و دفع الغلو، در بخش سوم با عنوان «مفهوم الغلو في الكتاب والسنة» آورده است:

والطائفة المنصورة التي هي على ما كان عليه رسول الله ﷺ وأصحابه وهم أهل السنة النبوية: أهل الحديث وأهل الأثر والإتباع، وهم المفارقون لجميع أهل التفرق والابتداع وأهل الآراء والأهواء؛^۲
طائفة مورد نصرت و عنایت پروردگار، آنان هستند که در مسیر رسول خدا ﷺ و اصحابش هستند و آنان اهل سنت نبوی یعنی اهل حدیث و اهل پیروی از پیامبر ﷺ بوده و از اهل تفرقه و بدعت و پیروان آرا و هواهای نفسانی جدا هستند.

سپس در ذیل کلمه اهل حدیث در پاورقی می‌گوید: «وفي الحديث ياسناد حسن: إني تارك فيكم الثقلين، كتاب الله وسنتي» و پس از آن برای ارائه سند این حدیث ادامه می‌دهد: «أخرجه أحمد في مسنده ج ۳ / ۱۷؛ یعنی احمد بن حنبل این روایت را در ص ۱۷ از جلد سوم کتاب مسند أحمد بن حنبل نقل کرده است».

بعد از مراجعه به مسند أحمد بن حنبل متوجه می‌شویم که وی چندین بار روایت مزبور را به صورت مشهور یعنی «عترتي أهل بيتي» نقل کرده است؛ از جمله در «ج ۳، ص ۱۴، ح ۱۱۱۹»، «ج ۳، ص ۱۷، ح ۱۱۱۴۷»، «ج ۳، ص ۲۶، ح ۱۱۲۲۷» و «ج ۳، ص ۲۶، ح ۱۱۲۲۷» از ابوسعید خدری^۳ و در «ج ۵، ص ۱۸۱، ح ۲۱۶۱۸» از زید بن ثابت.^۴ بدین وسیله کذب و

۱. وی متولد ۱۳۵۹ق، دانش‌آموخته مجتهد عالی قضایی ریاض در سال ۱۴۰۳ق و استاد معاصر رشته فقه در دانشگاه محمد بن سعود در شهر ریاض است که از او با عناوینی همچون «شیخ فقیه» و «علامه» یاد می‌شود. («صالح السدلان»، سایت المکتبة الشاملة، آدرس: <http://shamela.ws/index.php/author/612>)

۲. جمعی از نویسندگان، بحوث أثر ندوة القرآن في تحقيق الوسطية و دفع الغلو، ص ۱۷۴.

۳. عن أبي سعيد قال: قال رسول الله ﷺ إني تارك فيكم الثقلين أحدهما أكبر من الآخر كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض وعترتي أهل بيتي وأنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض.

۴. حدثنا عبد الله [...] عن زيد بن ثابت قال: قال رسول الله ﷺ إني تارك فيكم خليفتين، كتاب الله حبل ممدود ما بين

تحریف صالح بن غانم در متن احمد بن حنبل نیز اثبات می‌گردد.

تحریف در حدیث مباحله

یکی از ماجراهای مهم تاریخ اسلام، داستان مباحله پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به همراه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام با نصارای نجران است. این ماجرا که از جریان‌های قطعی و یقینی صدر اسلام است، از افتخارات بزرگ و فضایل انکارناپذیر اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام به‌شمار می‌رود که کمتر می‌توان نظیر آن را پیدا کرد. چنان‌که مفسر بزرگ، جناب زمخشری ذیل آیه مباحله می‌گوید:

وفیه دلیل لا شیء أقوى منه علی فضل أصحاب الکساء؛^۱
در این آیه دلیلی بر فضیلت اصحاب کسا وجود دارد که بالاتر و قوی‌تر از آن یافت نمی‌شود.

بین شیعه و اهل سنت تقریباً متواتر و قطعی است که پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر اساس فرمان الهی در آیه ۶۱ سوره آل عمران، برای مباحله با نصارای نجران، امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام، فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام و حسنین عَلَيْهِمُ السَّلَام را با خود همراه نموده و عازم موعده مقرر شده است. نصاری که صحنه را دیدند، متزلزل و از مباحله منصرف شدند و جزیه را پیشنهاد دادند. این ماجرا هم عصمت و امامت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام را ثابت می‌کند؛ چراکه آن حضرت به‌منزله نفس و جان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شمرده شده است و هم ثابت می‌نماید که حسنین عَلَيْهِمُ السَّلَام فرزندان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به حساب می‌آیند.

صحیح مسلم از سعد بن ابی‌وقاص روایت کرده است که:

ولما نزلت هذه الآية ﴿فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ﴾ دعا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ علياً و فاطمة و حسناً و حسيناً فقال اللهم هؤلاء أهلي؛^۲
و چون آیه ﴿فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ﴾ نازل شد، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، علی عَلَيْهِ السَّلَام و فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام و حسنین عَلَيْهِمُ السَّلَام را فراخواندند و فرمودند: «خداوندا؛ اینان اهل من هستند».

حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ق) نیز می‌گوید:

→ السماء والأرض أو ما بين السماء إلى الأرض وعترتي أهل بيتي و إنهما لن يتفرقا حتى يردا على الحوض.
۱. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۱، ص ۳۷۰.
۲. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۱، ح ۲۴۰۴.

وقد تواترت الأخبار في التفاسير، عن عبدالله بن عباس، وغيره أن رسول الله أخذ يوم المباهلة بيد علي وحسن وحسين وجعلوا فاطمة وراءهم، ثم قال: هؤلاء أبناءنا وأنفسنا ونساؤنا، فهلّموا أنفسكم وأبناءكم ونساءكم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين؛^١

در تفاسیر، اخبار متواتری از ابن عباس و دیگران نقل شده است که پیامبر ﷺ در روز مباحله، دست علی [ع] و حسنین [ع] را گرفتند و فاطمه [ع] را پشت سر آنها قرار دادند و فرمودند: «اینان فرزندان و جان ما و بانوان ما هستند. شما هم جان خود و فرزندان و بانوان خود را حاضر کنید تا مباحله کرده و لعنت الهی را بر دروغ‌گویان نثار کنیم».

با این حال، برخی نویسندگان سلفی که حقیقت ماجرا و فضیلت انکارناپذیر و جایگاه رفیع اهل بیت [ع] را به خوبی می‌دانستند، تحمل نکردند و مناسب‌ترین راه برای نادیده‌گرفتن این فضیلت را در تحریف این ماجرا دیدند.^٢

ابن قیم جوزی از شاگردان ابن تیمیه که وهابیان آثار وی را بسیار تبلیغ کرده و به آرا و فتاوی وی به‌طور گسترده‌ای استناد می‌کنند، هنگامی که در کتاب خود با نام جلاء الأفهام فی فضل الصلاة علی محمد خیر الأنام، قضیه مباحله را نقل می‌کند، در کمال بی‌انصافی، نام علی [ع] را حذف کرده و می‌گوید:

ولما أنزل الله سبحانه وتعالى آية المباحلة [...] دعا النبي ﷺ فاطمة وحسناً وحسيناً وخرج للمباحلة؛^٣

هنگامی که خداوند آیه مباحله را نازل فرمود، پیامبر ﷺ، حسن و حسین [ع] و فاطمه [ع] را با خود برای مباحله بردند.

وی در کتاب دیگر خود نیز دست به تحریفی مشابه زده و از ذکر نام امیرالمؤمنین [ع] خودداری کرده است.^٤

١. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، معرفة علوم الحديث، ص ٥٠.

٢. می‌توان از ابن شبه (م ٢٦٢ق) به‌عنوان یکی از پیشگامان تحریف ماجرای مباحله نام برد که در کتاب تاریخ المدينة المنورة، ج ٢، ص ٥٨٢، نام امام علی [ع] را حذف و چنین آورده است: «فَأَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَعَدَا حَسَنٌ وَحُسَيْنٌ وَفَاطِمَةُ وَنَاسٌ مِنْ أَصْحَابِهِ». همچنین می‌توان از طبری نام برد که در تفسیر خود، ج ٣، ص ٣٠٠ با عبارت: «فلما غدوا غدا النبي ﷺ محتضناً حسناً...» به کتمان نام امام علی [ع] پرداخته است.

٣. ابن قیم جوزی، محمد بن ابی‌بکر، جلاء الأفهام فی فضل الصلاة علی محمد خیر الأنام، ج ١، ص ٢٦٤.

٤. ابن قیم جوزی، محمد بن ابی‌بکر، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، ج ٣، ص ٦٣٣.

ابن کثیر دمشقی نیز از قافله تحریف این حقیقت عقب نمانده است و در کتاب تاریخ خود، نام امام علی علیه السلام را از ماجرای مباحله حذف کرده است و می گوید:

فابوا أن یقروا بذلك فلما أصبح رسول الله الغد بعد ما أخبرهم الخبر أقبل مشتملاً على الحسن والحسين في خميل له وفاطمة تمشي عند ظهره للملاعنة وله يومئذ عدة نسوة.^۱

شگفت اینکه ابن کثیر در حالی در کتاب تاریخ خود مرتکب این خلاف می شود که در تفسیر خود به نقل از روایت جابر، مراد از «أنفسنا» در آیه مباحله را پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام دانسته است. آن گاه آن را به ترتیب از حاکم نیشابوری و روایت شعبی نقل می کند و در پایان نیز به تأیید همین دیدگاه می پردازد و می گوید:

وهذا أصح، وقد روي عن ابن عباس والبراء نحو ذلك؛^۲
همین روایت صحیح تر است و از ابن عباس و براء بن عازب نیز همانند همین روایت، روایت شده است.

در تفسیر البحر المحيط نیز حدیث فوق از صحیح مسلم تحریف شده و با حذف نام علی علیه السلام از روایت سعد بن ابی وقاص چنین آمده است که:

في صحيح مسلم من حديث سعد بن أبي وقاص، قال: لما نزلت هذه الآية: ﴿تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ﴾ دعا رسول الله صلی الله علیه و آله فاطمة وحسناً وحسيناً، فقال: «اللهم هؤلاء أهلي»؛^۳

در صحیح مسلم از حدیث سعد بن ابی وقاص است که وقتی آیه ﴿تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ﴾ نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام و حسن و حسین علیهما السلام را فراخواندند و گفتند: «بارخدا یا، اینان اهل من هستند».

بن باز و تحریف تعلیقه بخاری

عبدالله بن باز یکی از مفتی های مشهور و هابیت عربستان در قرن اخیر است. وی تعلیقه ای بر کتاب صحیح البخاری دارد با نام الحلل الإبریزية من التعلیقات البازية علی

۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية و النهاية، ج ۵، ص ۵۴.
۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۴۷.
۳. ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف، تفسیر البحر المحيط، ج ۳، ص ۱۸۸.

صحیح البخاری که انتشارات «دار التدمریة» در شهر ریاض آن را به چاپ رسانده است. در نسخه مزبور و در فهرست این کتاب، دو فصل به نام‌های «باب مناقب علی بن ابی طالب القرشی الهاشمی ابی الحسن» و «باب مناقب جعفر بن ابی طالب» به طور کامل حذف شده است.

وها بیان و تحریف کتاب الأذکار نووی

امام یحیی بن شرف‌الدین نووی از بزرگ‌ترین علمای تاریخ اهل سنت و ملقب به «شافعی ثانی» در کتاب معروف خویش با نام الأذکار می‌نویسد:

فصل في زيارة قبر رسول الله ﷺ وأذكارها.

إعلم أنه ينبغي لكل من حج أن يتوجه إلى زيارة رسول الله ﷺ، سواء كان ذلك طريقه أو لم يكن، فإن زيارته من أهم القربات وأربح المساعي وأفضل الطلبات، فإذا توجه للزيارة أكثر من الصلاة في طريقه، فإذا وقع بصره على أشجار المدينة وحرمها وما يعرف بها، زاد من الصلاة والتسليم عليه وسأل الله أن ينفعه بزيارته وأن يسعده بها في الدارين وليقل: اللهم افتح علي أبواب رحمتك وارزقني في زيارة قبر نبيك ﷺ ما رزقته أولياءك وأهل طاعتك واغفر لي وارحمني يا خير مسؤول^١؛

فصل: درباره زیارت قبر رسول خدا ﷺ و دعاهاى آن.

بدان هر فردی که عازم حج می‌گردد، شایسته است که قصد زیارت رسول خدا ﷺ نیز بنماید. خواه قبر شریف آن حضرت در مسیر او باشد، خواه نباشد؛ زیرا زیارت ایشان از مهم‌ترین وسایل تقرب به خداوند، از سودمندترین کارها و از برترین اهداف است. پس زمانی که شخصی آهنگ زیارت آن حضرت می‌کند، شایسته است که در راه، بر او درود فراوان فرستد و چون چشمش به درختان مدینه و حرم و علائم آن می‌افتد، بر درود و سلام بر آن حضرت بیفزاید و از خداوند درخواست کند که این زیارت را برای او سودمند گرداند و به پاس آن، سعادت دنیا و آخرت را به وی عطا کند. همچنین باید این ذکر را بگوید: «اللهم افتح علی أبواب...» یعنی بارخدا، درهای رحمتت را بر من بگشای و به من در زیارت قبر پیامبرت، آن بهره‌ای را ارزانی بدار که به اولیا و اهل طاعتت می‌دهی، و بر من

١. نووی دمشقی، یحیی بن شرف، الأذکار، ص ۳۳۳.

بخشای و مرا مورد رحمت قرار ده، ای کسی که بهترین مطلوب
درخواست‌کنندگانی».

همان‌طور که می‌دانیم وهابیان، مخالف زیارت قبور از جمله قبر رسول الله ﷺ هستند و به حرمت «سفر به قصد زیارت» قائل‌اند. آنان زیارت قبور را معادل شرک به خدای متعال، و حضور در مدینه منوره را صرفاً برای زیارت و عبادت در مسجدالرسول ﷺ مجاز می‌دانند؛ بنابراین در مؤسسه دارالهدی در شهر ریاض که به نشر کتاب‌های امام نووی می‌پردازد، به تحریف متن کتاب الأذکار پرداخته و آن را چنین آورده‌اند:

فصل في زيارة مسجد رسول الله ﷺ.

إعلم أنه يستحب من أراد زيارة مسجد رسول الله ﷺ أن يكثّر من الصلاة عليه في طريقه فإذا وقع بصره على أشجار المدينة وحرّمها وما يعرّف بها زاد من الصلاة والتسليم عليه ﷺ وسأل الله أن ينفعه بزيارته لمسجده وأن يسعده بها في الدارين وليقل: اللهم افتح علي أبواب رحمتك وارزقني في زيارة مسجد نبيك ما رزقته أولياءك وأهل طاعتك واغفر لي وارحمني يا خير مسؤل.

در مقایسه این دو متن مشاهده می‌کنیم که چندین تحریف در آن صورت گرفته است:
اول: عنوان فصل از «زیارت قبر رسول الله ﷺ» به «زیارت مسجد رسول الله ﷺ» تغییر کرده است.

دوم: عبارتهای «زیارت قبر شریف نبوی» یا «زیارت رسول خدا ﷺ» در اصل استحباب، به عبارت «زیارت مسجد» تغییر یافته است.

سوم: به جای جمله «سأل الله أن ينفعه بزيارته»، جمله «سأل الله أن ينفعه بزيارته لمسجده» قرار گرفته است.

چهارم: از اینها مهم‌تر، حتی متن دعا را که خوشایند آنان نبوده است، دست‌کاری کرده‌اند و عبارت «اللهم افتح علي أبواب رحمتك وارزقني في زيارة قبر نبيك» را به عبارت «اللهم افتح علي أبواب رحمتك وارزقني في زيارة مسجد نبيك» تغییر داده‌اند.

نکته جالب توجه، توضیحات منصفانه عبدالقادر الأرناؤوط، محقق این کتاب، در آغاز

۱. همان، ص ۲۹۵.

مقدمه آن است. وی می‌گوید:

این کتاب [کتاب الأذکار امام نووی] قبلاً با تحقیق من در سال ۱۳۹۱ق-۱۹۷۱م در دمشق به چاپ رسید. تحقیق مجددی در آن نمودم و نشر دارالهدی به ریاست احمد نحاس نشر آن را به عهده گرفت؛ بنابراین [احمد نحاس] متن را به اداره عمومی مصاحف و نظارت بر مطبوعات عربستان تحویل داد. یکی از استادان آن مرکز به تصحیح متن پرداخت و عنوان «فصلی در زیارت قبر رسول الله ﷺ» را به «فصلی در زیارت مسجد رسول الله ﷺ» تغییر داد و همچنین تغییری در برخی عبارات این بخش اعمال کرد. ضمن آنکه ماجرای معروف روایت عتبی را نیز که حاکی از توسل به قبر پیامبر ﷺ بود، حذف کرد.

وی در ادامه، خود را از مشارکت در این تحریف تبرئه می‌نماید و می‌گوید:

این عبد فقیر عبدالقادر الأرنؤوط و همچنین مدیر مؤسسه دارالهدی در این تصرفات نقشی نداشتیم و ما و ایشان مسئولیت آن را نمی‌پذیریم و مسئولیت آن با هیئت نظارت بر مصاحف و مطبوعات است.

او در ادامه با اظهار ناخرسندی از تحریف کتاب‌های مؤلفان و اظهار مخالفت با

تحریف متون می‌افزاید:

تصرف در عبارت مؤلفان، که امانتی علمی است، جایز نیست و محقق باید عبارات را همان‌گونه بیاورد که نوشته شده است، و اگر بخشی را مخالف شرع و غیرقابل قبول دید، بر آن تعلیق و حاشیه بزند؛ بدون آنکه عبارت مؤلف را تغییر دهد.

تحریف کتاب عقیده السلف أصحاب الحديث

شیخ ابوعثمان اسماعیل بن عبدالرحمن صابونی (م ۴۴۹ق) از بزرگان اهل سنت به‌شمار می‌رود. وی کتابی مختصر به نام عقیده السلف أصحاب الحديث أو الرسالة في اعتقاد أهل السنة و أصحاب الحديث و الأئمة نوشته است که در این کتاب به بیان آرا و عقاید اهل سنت پرداخته است.

وی در مقدمه آن، انگیزه نوشتن این کتاب را این‌گونه شرح داده است:

أما بعد، فأنی لما وردت آمد (أمل) طبرستان وبلاد جیلان متوجهاً إلى بیت الله الحرام وزيارة قبر نبيه محمد ﷺ وأصحابه الكرام سألتني أخواني في الدين أن أجمع لهم فصولاً في أصول الدين التي استمسك بها الذين مضوا من أئمة الدين:

هنگامی که در راه زیارت خانه خدا و زیارت قبر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به آمل طبرستان و منطقه گیلان رسیدم، برادران دینی بنده از من خواستند تا کتابی درباره اصول دین بنویسم که در آن استدلال‌های علمای گذشته ذکر شده باشد.

با توجه به اینکه نویسنده این کتاب از دانشمندان صاحب‌نام عامه بوده است، نویسنده‌ای وهابی به نام بدر البدر به تحقیق و تدوین کتاب ایشان اقدام نمود و آن را در «دار السلفية» به چاپ رساند. محقق این کتاب، بر اساس توهمات خود که زیارت قبر رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مسافرت برای آن را حرام می‌دانند، بر عبارت «زيارة قبر نبيه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» پاورقی زده و چنین می‌نویسد:

برای مصنف بهتر بود که بگوید: «زیارت مسجد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»؛ زیرا آنچه مشروع است، سفر به قصد زیارت مسجد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است؛ نه زیارت قبر ایشان! برای اطلاعات بیشتر در این رابطه، باید به کتاب‌های شیخ الاسلام ابن تیمیه مراجعه کرد.^۱

ولی در چاپ‌های بعدی که در «دار المنهج السلفي» با تحقیق ابو خالد مجدی بن سعد صورت پذیرفت، متن کتاب را تحریف کرد و جمله «زيارة مسجد نبيه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» را جایگزین «زيارة قبر نبيه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» نمود. سپس به نصیحت مؤلف کتاب می‌پردازد و می‌گوید: «در متن اصلی، "قبر" بود که اشتباه است؛ زیرا آنچه مشروع است، سفر به قصد زیارت مسجد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است؛ نه قبر ایشان».^۲

تحریف شباهت وهابیت به خوارج

شیخ فقیه احمد بن محمد الصاوی مصری مالکی (م ۱۲۴۱ق) از دانشمندان اهل سنت، حاشیه‌ای بر کتاب تفسیر جلالین دارد. وی ذیل آیه **﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾**^۳ به فرقه وهابیت حمله می‌کند و ضمن تشبیه آنان به خوارج می‌گوید:

۱. صابونی، اسماعیل بن عبدالرحمن، عقیده السلف أصحاب الحديث، تحقیق: بدر البدر، ص ۲.

۲. صابونی، اسماعیل بن عبدالرحمن، عقیده السلف أصحاب الحديث، تحقیق: ابو خالد مجدی بن سعید، ص ۹.

۳. سوره فاطر، آیه ۶.

وقيل هذه الآية نزلت في الخوارج الذين يحرفون تأويل الكتاب والسنة ويستحلون بذلك دماء المسلمين وأموالهم، لما هو مشاهد الآن في نظائرهم وهم فرقة بأرض الحجاز يقال لهم الوهابية. يحسبون أنهم على شيء. ألا أنهم هم الكاذبون، استحوذ عليهم الشيطان فأنساهم ذكر الله، أولئك حزب الشيطان. ألا إن حزب الشيطان هم الخاسرون نسأل الله الكريم أن يقطع دابرهم؛^١

گفته شد که این آیه درباره خوارج نازل شده است؛ آنان که کتاب الهی و سنت را تحریف کرده‌اند و به همین واسطه، جان و مال مسلمانان را مباح می‌کنند. مانند آنچه هم‌اکنون در سرزمین حجاز نظیر آنها مشاهده می‌شود، کسانی که به آنها وهابی گفته می‌شود و فکر می‌کنند ارزشی دارند. آگاه باشید که آنان دروغ‌گو هستند. شیطان بر آنها مسلط شده و خداوند را از یاد آنها برده است. آنان حزب شیطان‌اند. بدان که پیروان حزب شیطان بازنده و زیانکارند. از خداوند کریم می‌خواهیم که ریشه آنها را بخشکاند.

این سخنان شفاف و صریحی بود که ذائقه وهابیان را به شدت تلخ کرد؛ بنابراین در چاپ دیگری که همراه با تحقیق محمد عبدالسلام شاهین از سوی منشورات «دار الکتب العلمیة» در لبنان عرضه شد، قسمتی را که مربوط به حمله به وهابیت و جنایات آنها بود، تحریف کردند و متن را چنین آوردند:

وقيل هذه الآية نزلت في الخوارج الذين يحرفون تأويل الكتاب والسنة ويستحلون بذلك دماء المسلمين وأموالهم، استحوذ عليهم الشيطان فأنساهم ذكر الله، أولئك حزب الشيطان، ألا إن حزب الشيطان هم الخاسرون نسأل الله أن يقطع دابرهم.^٢

این تحریف را انجام دادند تا چنین وانمود کنند که تمام سخن و نفرین ایشان صرفاً درباره خوارج است.

تغییر واژه «قبله» به «قبه»

روایتی را دانشمندان اهل سنت از پیامبر ﷺ نقل می‌کنند که ایشان فرمودند: «لعن الله

١. صاوی، احمد بن محمد، حاشیة الصاوي على تفسير الجلالين، تحقيق: عبدالرحمن مرعشلي، ج ٥، ص ٧٨.

٢. همان، تحقيق: محمد عبدالسلام شاهين، ج ٥، ص ٧٧.

اليهود. اتخذوا قبور انبيائهم مساجد؛ لعنت خدا بر يهود. آنان قبور پیامبران خود را مسجد قرار دادند».^۱

بر اساس نسخه انتشارات «ابن جوزي» عربستان، حافظ زين الدين ابى الفرج ابن رجب حنبلى (م ۷۹۵ق) در كتاب خود چنین می گوید:

يحذر أصحابه وسائر أمته من سوء صنيع الأمم قبلهم الذين صلوا في قبور أنبيائهم، واتخذوها قبلة ومسجداً؛^۲

پیامبر ﷺ صحابه و سایر امت را از اینکه مانند امت های پیشین، بر قبور انبیا نماز بخوانند و قبور انبیا را قبله و مسجد قرار دهند، باز می داشت.

با فرض صحت این برداشت و روایت، معنای آن چنین است که قبور را بت یا قبله عبادت خود قرار ندهند؛ چنان که یهودیان دچار چنین خطایی شدند. ولی وهابیت بدون هرگونه منطق و دلیل علمی، بر حرمت ساختن هرگونه بقعه، مقبره یا قبّه و مسجد در کنار قبور یا بر فراز آن اصرار دارد و درست به همین بهانه، تاکنون خون هزاران مسلمان را بر زمین ریخته و ناموس آنها را مورد تعرض قرار داده است. اینان با همین منطق، حدیث مزبور را مورد تعرض و تحریف قرار داده اند و به جای واژه «قبله»، واژه «قبّه» را قرار دادند تا به دروغ، چنین وانمود نمایند که پیامبر ﷺ مردم را از ساختن قبّه بر روی قبور، نهی فرمودند.

بر همین اساس، در نسخه فتح الباری چاپ «مکتبه الغرباء الأثرية» در عربستان، در جلد سوم، صفحه ۲۴۶ ذیل حدیث ۴۳۷ از کتاب الصلاة، متن مزبور را تحریف نموده و چنین آورده اند: «يحذر أصحابه وسائر أمته من سوء صنيع الأمم قبلهم الذين صلوا في قبور أنبيائهم، واتخذوها قبة ومسجداً».

تحریف کتاب صحیح بخاری

ابن حجر عسقلانی در فتح الباری در شرح صحیح البخاری درباره پیمانۀ آب خوری رسول الله ﷺ مطالبی را بیان کرده است که از اهمیت دادن مسلمانان به آن پیمانۀ جهت

۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۶۱۴، ح ۴۱۷۷.

۲. ابن رجب دمشقی، زين الدين، فتح الباری في شرح صحیح البخاری، ج ۲، ص ۴۴۱.

تبرک حکایت دارد. از جمله می‌گوید:

وذكر القرطبي في مختصر البخاري أنه رأى في بعض النسخ القديمة من صحيح البخاري قال أبو عبدالله البخاري رأيت هذا القدر بالبصرة وشربت منه وكان إشتري من ميراث النضر بن أنس بثمانمائة ألف^١ قرطبي در مختصر بخاری می‌گوید: «در برخی نسخه‌های قدیمی صحیح بخاری دیدم که ابو عبدالله بخاری گفته است که من آن پیمانہ را در بصرہ دیدم و از آن آب نوشیدم و آن، از میراث نضر بن انس با هشتصد هزار درهم خریده شده بود».

این در حالی است که نسخه‌های موجود از کتاب صحیح بخاری فاقد این جمله است و به نظر می‌رسد دست‌های مرموزی به تحریف این سخن بخاری پرداخته‌اند که برخلاف سیره همه مسلمانان، تبرک‌جستن به آثار بزرگان را کاری بدعت‌آلود و حرام معرفی می‌کنند.

تحریف حدیث روضه

از جمله روایات مشهور نبوی، حدیثی است که در آن، رسول خدا ﷺ به معرفی محدوده روضه شریفه در مسجد النبی ﷺ پرداخته‌اند و فرمودند: «ما بين قبري ومنبري روضة من رياض الجنة؛ بین قبر و منبر من، باغی از باغ‌های بهشت است»^٢. وهابیان بر انکار این روایت اصرار دارند و حدیث را به صورت «ما بين بيتي ومنبري روضة من رياض الجنة» نقل کرده‌اند و بر آن اصرار می‌ورزند؛ تا جایی که بر دیواره‌ها و کتیبه‌های اطراف ضریح مطهر رسول اکرم ﷺ در مسجد النبی ﷺ، حدیث را به همین صورت ثبت نموده‌اند.

با مراجعه به چاپ‌های کنونی صحیح بخاری و صحیح مسلم، حدیث را به همین صورتی که وهابیت نقل کرده‌اند، می‌یابیم؛^٣ ولی ظاهراً حقیقت غیر از این است. بر اساس شهادت برخی از دانشمندان اهل سنت، روایت مزبور به همان صورت صحیح آن، در

١. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ١٠، ص ١٠٠.

٢. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد بن حنبل، ج ٣، ص ٦٤، ح ١١٦٢٨.

٣. بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح المختصر (صحیح البخاری)، ج ١، ص ٣٩٩، ح ١١٣٨؛ نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ٢، ص ١٠١٠، ح ١٣٩٠.

صحیحین ذکر شده بود و این روایت در نسخه‌های کنونی تحریف شده است. دلیل این تحریف نیز روشن است؛ چراکه برخلاف سایر مسلمانان، وهابیان هیچ ارزش و قداستی برای قبور بزرگان حتی پیامبر اسلام ﷺ قائل نیستند.

محمی‌الدین نووی (م ۶۷۶ق) که از شارحان صحیح مسلم است، در کتاب المجموع؛ شرح المذهب می‌گوید:

وعنه قال: قال رسول الله ﷺ: «ما بين قبري ومنبري روضة من رياض الجنة ومنبري على حوضي» رواه البخاري ومسلم؛^۱
پیامبر ﷺ فرمودند: «بین قبر و منبر من باغی از باغ‌های بهشت است و منبر من بر حوض کوثر است». بخاری و مسلم این حدیث را روایت نمودند.

وی همچنین در کتاب الأذکار، در مبحث آداب زیارت قبر پیامبر اکرم ﷺ چنین می‌گوید:

فيتوسل به في حق نفسه، ويتشفع به إلى ربه سبحانه وتعالى [...] ويصلى على رسول الله ﷺ ويكثر من كل ذلك، ثم يأتي الروضة بين القبر والمنبر فيكثر من الدعاء فيها فقد روينا في صحيحي البخاري ومسلم عن أبي هريرة عن رسول الله ﷺ: قال: ما بين قبري ومنبري روضة من رياض الجنة؛^۲

نووی صراحت دارد که این روایت با لفظ «قبري ومنبري» در صحیح بخاری و صحیح مسلم ذکر شده بود.

حافظ مزی (م ۷۴۲ق) نیز در تحفة الأشراف بمعرفة الأطراف ابتدا با حروف اختصاری «خ» و «م» اشاره می‌کند که این حدیث را بخاری و مسلم روایت کرده‌اند، سپس به معرفی ابوابی می‌پردازد که این حدیث در آنها آمده است. متن ایشان چنین است: «[خ م] حدیث: ما بین قبري ومنبري روضة من رياض الجنة (الحدیث)».^۳

ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ق) در النکت الطراف که تعلیقه‌ای بر تحفة الأشراف بمعرفة الأطراف است،^۴ بدون ردّ سخن حافظ مزی به شرح آن می‌پردازد: «[خ م] ۱۲۲۶۷».

۱. نووی، یحیی بن شرف، المجموع؛ شرح المذهب، ج ۸، ص ۲۰۰.

۲. نووی، یحیی بن شرف، الأذکار، ص ۱۶۳.

۳. مزی، یوسف بن عبدالرحمن، تحفة الأشراف بمعرفة الأطراف، ج ۹، ص ۳۲۳، ح ۱۲۲۶۷.

۴. ابن تعلیقه همراه با اصل کتاب تحفة الأشراف چاپ شده است.

حدیث: ما بین قبري ومنبري روضة من رياض الجنة (الحدیث)).

ابن ملقن شافعی مصری (م ۸۰۴ق) در کتاب البدر المنیر فی تخریج الأحادیث و الآثار الواقعة فی الشرح الکبیر نیز به نقل حدیث از بخاری و به صحت روایت تصریح کرده است و می‌گوید: «شیخان [یعنی بخاری و مسلم] آن را از ابوهریره و دیگران نقل کردند و همچنین نسایی آن را از حدیث ام سلمه روایت نموده است».^۱

سپس ابن ملقن از کتاب المستخرج نوشته ابوالقاسم بن منده نقل می‌کند که این حدیث را تعداد زیادی از صحابه مانند عایشه، ابن عمر، عبدالله بن زید مزنی، ابوسعید خدری، سهل بن سعد، ابوبکر، عمر، علی بن ابی طالب، جابر بن عبدالله، سعد بن ابی وقاص، جبیر بن مطعم، زبیر بن عوام، ابوسعید زید بن ثابت (یا زید بن خارجه)، ابوواقد لیثی، معاذ بن حارث انصاری، ابوخلیمه قاری، انس بن مالک و ابومعلی انصاری روایت کرده‌اند.^۲

همچنین شوکانی (م ۱۲۵۰ق) می‌گوید: «قائلان به افضلیت مدینه، به دلایلی استناد کردند که بخاری و دیگران نقل کرده‌اند؛ از جمله روایت "ما بین قبري...".»^۳ پس روشن شد که به شهادت جمع زیادی از علمای اهل تسنن، روایت نبوی با لفظ «قبري ومنبري» در صحیحین بخاری و مسلم وجود داشته است؛ ولی همان‌گونه که گذشت، با کمال تعجب می‌بینیم که این روایت در صحیح بخاری و صحیح مسلم کنونی، با الفاظ فوق وجود ندارد و به جای واژه «قبري»، واژه «بیتي» آمده است.

نکته شگفت و بسیار جالب، عنوان بابی است که بخاری و مسلم این روایت را در آن باب آورده‌اند. نام باب حدیث در صحیح بخاری «باب فضل ما بین القبر والمنبر»^۴ و نام باب حدیث در صحیح مسلم «ما بین القبر والمنبر روضة من رياض الجنة» است.^۵ روشن است

۱. ابن ملقن، عمر بن علی، البدر المنیر فی تخریج الأحادیث و الآثار الواقعة فی الشرح الکبیر، ج ۸، ص ۲۰۲.

۲. همان، ج ۲۱.

۳. شوکانی، محمد بن علی، نیل الأوطار، ج ۵، ص ۹۹.

۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح المختصر (صحیح البخاری)، ج ۱، ص ۳۹۹.

۵. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۰۱۰.

که بخاری و مسلم نام ابواب کتاب خود را بر اساس متن احادیث انتخاب می‌کردند؛ پس چرا در نام باب، واژه «قبري» و در خود حدیث، واژه «بیتي» آمده است؟!

تحریف کتاب إظهار الحق

یکی از علمای اهل سنت به نام شیخ رحمت‌الله بن خلیل الرحمن عثمانی هندی الکیروانی، مدرس مسجد الحرام و مؤسس مدرسه صولتیة مکه مکرمه (م ۱۳۰۸ق)، در کتاب إظهار الحق نگاه منصفانه‌ای به دیدگاه شیعه در موضوع تحریف قرآن کریم داشته است و ضمن نقل اقوال علمای بزرگ شیعه مانند شیخ صدوق^۱، سید مرتضی، شیخ طبرسی (صاحب مجمع البیان)، شیخ حر عاملی و قاضی نورالله شوشتری که به دفاع از اصالت قرآن و عدم تحریف آن پرداخته بودند، می‌گوید:

وأما الجواب عنه تحقيقاً فلأن القرآن المجيد عند جمهور علماء الشيعة الإمامية الإثني عشرية محفوظ عن التغير والتبديل، ومن قال منهم بوقوع النقصان فيه فقلوه مردود غير مقبول عندهم؛^۲

جواب تحقیقی از این ادعاها این است که قرآن مجید نزد تمام علمای شیعه دوازده‌امامی، محفوظ از تغییر و بدون تبدیل و تحریف است و هر کسی از آنان که بگوید در قرآن نقصی صورت گرفته است، نزد علمای شیعه مردود و غیرقابل قبول است.

این مطالب در صفحات ۴۳۸ تا ۴۴۰ کتاب مزبور که به‌اهتمام عبدالله بن ابراهیم انصاری، در «دار إحياء التراث» در شهر دوحه قطر چاپ شده است، وجود دارد. این کتاب بعدها با تحقیق دکتر محمد احمد محمد عبدالقادر خلیل ملکاوی، استاد دانشگاه ملک‌سعود شهر ریاض و در انتشارات ریاست عمومی شورای افتا و دعوت و ارشاد

۱. به‌عنوان مثال ایشان از شیخ صدوق این‌گونه نقل می‌کند که: «قال الشيخ الصدوق أبو جعفر محمد بن علي بن بابويه الذي هو من أعظم علماء الإمامية الإثني عشرية في رسالته الاعتقادية: "اعتقادنا في القرآن أن القرآن الذي أنزل الله تعالى على نبيه ﷺ هو ما بين الدفتين وهو ما في أيدي الناس ليس بأكثر من ذلك ومبلغ سورة عند الناس مائة وأربع عشرة سورة وعندنا الضحى وألم نشرح سورة واحدة وإيلاف وألم تر كيف سورة واحدة ومن نسب إلينا أن تقول أنه أكثر من ذلك، فهو كاذب"». (هندي الكيرواني، رحمت‌الله بن خلیل الرحمن، إظهار الحق، ص ۴۳۸). که این مطالب، هرگونه ادعای تحریف از سوی شیخ صدوق رحمه الله را قاطعانه رد می‌کند.

۲. هندی الكيرواني، رحمت‌الله بن خلیل الرحمن، إظهار الحق، ص ۴۳۸.

عربستان منتشر شد. از آنجا که وهابیت، شیعه را متهم کرده و به دروغ، آنان را به تحریف قرآن کریم قائل دانسته است و سعی وافر دارد تا اهل سنت را در همین توهم نگه دارد، در کمال بی‌انصافی حدود دو صفحه از کتاب مزبور که به دیدگاه‌های دانشمندان شیعه دربارهٔ عدم تحریف قرآن و دفاع مؤلف از عقیدهٔ شیعه مربوط بوده است، از جمله متن فوق را، کاملاً تحریف و حذف نمودند.

تحریف در تفسیر آلوسی

شیخ محمود آلوسی (م ۱۲۷۰ق) از دانشمندان و مفسران قرن‌های اخیر اهل سنت است و تفسیر قرآن وی با نام روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، از جایگاه ویژه‌ای در بین دانشمندان برخوردار است. او علی‌رغم مخالفت جدی با عقاید شیعه، در برخی موارد دیدگاه‌های منصفانه‌ای دارد که با اندیشهٔ شیعی موافق است؛ مانند اینکه برخلاف سایر اهل سنت، بعد از بحث‌های زیاد و رد دلیل قائلان به افضلیت عایشه، حضرت زهرا علیها السلام را برتر و بالاتر از همهٔ همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سایر زنان مسلمان دانسته است و می‌گوید:

والذي أميل إليه أن فاطمة البتول أفضل النساء المتقدمات والمتأخرات من حيث أنها بضعة رسول الله صلی الله علیه و آله بل ومن حیثیات آخر أيضاً؛^۱
دیدگاهی که من بدان تمایل دارم این است که فاطمهٔ بتول، برترین زنان قبل و بعد از خود است؛ چراکه او پاره‌ای از وجود رسول خدا صلی الله علیه و آله است و نیز به‌خاطر جهات دیگر.

سپس با فاصله‌ای می‌گوید:

الذي يدور في خلدي أن أفضل النساء فاطمة. ثم أمها، ثم عائشة. بل لو قال قائل أن سائر بنات النبي صلی الله علیه و آله أفضل من عائشة لا أرى عليه بأساً؛^۲
آنچه به ذهن من می‌آید این است که برترین زنان عالم، حضرت فاطمه علیها السلام، سپس مادرش حضرت خدیجه علیها السلام و سپس عایشه است. حتی اگر کسی، دختران دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز برتر از عایشه بداند، اشکالی در آن نمی‌بینم.

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی، ج ۲، ص ۱۴۹.

۲. همان.

به هر حال، وجود برخی از این مطالب که به خصوص برای وهابیت ناخوشایند به نظر می‌رسد، باعث شد تا دست تحریف به تفسیر وی برسد و بخش‌هایی از آن را تغییر دهند. محمد نوری دیرثوری از نویسندگان اهل سنت، در همین ارتباط و نیز دربارهٔ تحریف کتاب المغنی ابن قدامه می‌نویسد:

تحریف و حذف احادیث از کارهای دائمی و همیشگی وهابیان است. به‌عنوان نمونه، نعمان آلوسی، تفسیر پدرش شیخ محمود آلوسی را به نام روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحریف و [مطالبی را که به ضرر وهابیون بود] حذف کرده است. اگر این تحریف نبود، تفسیر او نمونهٔ تفاسیر محسوب می‌شد. نمونهٔ دیگر اینکه در کتاب المغنی ابن قدامه، بحث استغاثه را حذف کردند و سپس آن را چاپ کردند. [زیرا استغاثه در نظر آنان، شرک محسوب می‌شود]. آنها شرح صحیح مسلم را نیز با حذف احادیث صفات، مجدداً چاپ کردند. این چیزی است که ما از خیانت علمی و کردار زشت آنها به دست آوردیم و به‌زودی خداوند متعال که از اقدام پلید آنان آگاه است، آنان را محاسبه [و مجازات] خواهد نمود؛ هرچند بر ما پوشیده باشد.^۱

احمد خیری از نویسندگان اهل سنت نیز ذیل مقالات کوثری، دربارهٔ نعمان فرزند آلوسی می‌گوید:

وهو ليس بأمين على تفسير والده، ولو قابله أحدهم بالنسخة المحفوظة اليوم بمكتبة راغب پاشا باسطنبول وهي النسخة التي أهداها إلى السلطان عبد الحميد خان لوجد ما يطمئن إليه؛^۲
وی برای تفسیر پدرش امانت‌دار نبود. اگر کسی نسخهٔ تصحیح‌شدهٔ وی را با نسخه‌ای مقایسه کند که مؤلف به سلطان عبدالحمیدخان هدیه کرده است و در کتابخانهٔ راغب پاشا در شهر استانبول نگهداری می‌شود، به امانت‌دار نبودن این فرزند مطمئن می‌گردد.

نتیجه

از تحقیق حاضر به این نتیجه رسیدیم که سلفیه، به خصوص وهابیان معاصر، برای

۱. دیرثوری، محمد نوری، ردود علی شبهات السلفية، ص ۲۴۹.

۲. سبحانی، جعفر، نحو قرآنة جدیدة للتاریخ - ظاهرة التحریف فی التراث الإسلامی، ص ۵۹.

رسیدن به اهداف خود نه تنها دست به هر اقدامی حتی تحریف در اسناد تاریخی و گنجینه آثار اسلامی می‌زنند، بلکه آن را برای خود وظیفه می‌دانند و آن را اصلاح امر دین قلمداد می‌کنند. آنها برای این هدف و به دلیل تعصب شدید بر عقاید خود، هر آنچه مخالف باور آنها باشد، مورد تحریف قرار داده‌اند؛ اعم از آنکه با عقاید سایر فرقه‌های اسلامی هماهنگ بوده یا به نوعی بر افضلیت تفکر شیعی دلالت داشته باشد.

این امر نمونه‌های فراوانی دارد که در این مقاله، تنها به برخی از آنها مانند تحریف‌های آنان در حدیث تقلین، حدیث کساء، حدیث غدیر، حدیث روضه اشاره شده است.

كتابتنا

١. قرآن كريم.
٢. ابن تيمية، احمد بن عبدالحليم، منهاج السنة النبوية؛ في نقض كلام الشيعة والقدرية. تحقيق: محمد رشاد سالم، بي جا: مؤسسة قرطبة، بي تا.
٣. ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي، فتح الباري شرح صحيح البخاري، بيروت: دار المعرفة، ١٣٧٩ق.
٤. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند أحمد بن حنبل، مصر: مؤسسة قرطبة، بي تا.
٥. ابن رجب دمشقى، زين الدين، فتح الباري في شرح صحيح البخاري، تحقيق: ابومعاذ طارق بن عوض الله بن محمد، عربستان: دار ابن جوزي، چاپ دوم، ١٤٢٢ق.
٦. ابن شبة، ابوزيد عمر، تاريخ المدينة المنورة، تحقيق: فهيم محمد شلتوت، بي جا: بي نا، ١٣٩٩ق.
٧. ابن قيم جوزى، محمد بن ابى بكر، جلاء الأفهام في فضل الصلاة على محمد خير الأنام، تحقيق: شعيب الأرنؤوط و عبدالقادر الأرنؤوط، كويت: دار العروبة، چاپ دوم، ١٤٠٧ق.
٨. ابن قيم جوزى، محمد بن ابى بكر، زاد المعاد في هدى خير العباد، تحقيق: شعيب الأرنؤوط و عبدالقادر الأرنؤوط، بيروت و كويت: مؤسسة الرسالة و مكتبة المنار الإسلامية، ١٤٠٧ق.
٩. ابن كثير، اسماعيل بن عمر، البداية والنهاية، بيروت: مكتبة المعارف، بي تا.
١٠. ابن كثير، اسماعيل بن عمر، تفسير القرآن العظيم، تحقيق: محمدحسين شمس الدين، بيروت: دار الكتب العلمية و منشورات محمد على بيضون، چاپ اول، ١٤١٩ق.
١١. ابن ملقن، عمر بن علي، البدر المنير في تخريج الأحاديث والآثار الواقعة في الشرح الكبير، تحقيق: مصطفى ابوالغيث و عبدالله بن سليمان و ياسر بن كمال، رياض: دار الهجرة، چاپ اول، ١٤٢٥ق.
١٢. ابوحيان اندلسى، محمد بن يوسف، تفسير البحر المحيط، تحقيق: صدقى محمد جميل، بيروت: دار الفكر، ١٤٢٠ق.
١٣. آلوسى، محمود بن عبدالله، روح المعاني؛ في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، تحقيق: على عبدالبارى عطيه، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٥ق.
١٤. بخارى، محمد بن اسماعيل، الجامع الصحيح المختصر (صحيح البخاري)، تحقيق: دكتور مصطفى ديب البغا، بيروت: دار ابن كثير، چاپ سوم، ١٤٠٧ق.
١٥. ترمذى، محمد بن عيسى، الجامع الصحيح وهو سنن الترمذى، تحقيق: احمد محمد شاكر و ديكران، بيروت: دار إحياء التراث العربي، بي تا.

١٦. جمعی از نویسندگان، **بحوث أثر ندوة القرآن في تحقيق الوسطية ودفع الغلو**، بی جا: وزارت اوقاف عربستان، چاپ دوم، ١٤٢٥ق.
١٧. حاکم نیشابوری محمد بن عبدالله، **المستدرک علی الصحیحین**، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ١٤١١ق.
١٨. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، **معرفة علوم الحديث**، تحقیق: سید معظم حسین، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ دوم، ١٣٩٧ق.
١٩. دیرثوری، محمد نوری، **ردود علی شبهات السلفية**، بی جا: نشر الصباح، ١٩٨٧م.
٢٠. زمخشری، محمود بن عمر، **الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل**، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ سوم، ١٤٠٧ق.
٢١. سبحانی، جعفر، **نحو قرائة جديدة للتاریخ - ظاهرة التحریف في التراث الإسلامي**، تهران: نشر مشعر، ١٣٨٧ش.
٢٢. شوکانی، محمد بن علی، **نیل الأوطار من أحادیث سید الأخیار شرح منتقى الأخبار**، بیروت: دار الجیل، ١٩٧٣م.
٢٣. صابونی، اسماعیل بن عبدالرحمن، **عقيدة السلف أصحاب الحديث؛ أو الرسالة في اعتقاد أهل السنة وأصحاب الحديث والأئمة**، تحقیق: بدر البدر، بی جا: الدار السلفية، بی تا.
٢٤. صابونی، اسماعیل بن عبدالرحمن، **عقيدة السلف أصحاب الحديث؛ أو الرسالة في اعتقاد أهل السنة وأصحاب الحديث والأئمة**، تحقیق: ابو خالد مجدی بن سعید، بی جا: الدار السلفية و دار المنهج، ١٣٩٧ق.
٢٥. صاوی، احمد بن محمد، **حاشية الصاوي على تفسير الجلالين**، تحقیق: محمد عبدالرحمن مرعشلی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول، ٢٠٠٩م.
٢٦. صاوی، احمد بن محمد، **حاشية الصاوي على تفسير الجلالين**، تحقیق: محمد عبدالسلام شاهین، بیروت: دار الکتب العلمیة، بی تا.
٢٧. طریحی، فخرالدین بن محمد، **مجمع البحرين**، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، تهران: نشر مرتضوی، ١٣٧٥ش.
٢٨. الغنیمان، عبدالله بن محمد، **السبائك الذهبية بشرح العقيدة الواسطية**، عربستان: دار ابن جوزی، ١٤٣٠ق.
٢٩. فوزان، صالح بن فوزان، **محاضرات في العقيدة و الدعوة**، بی جا: بی نا، بی تا.
٣٠. مجلسی، محمدباقر، **بحار الأنوار**، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ١٤٠٣ق.
٣١. مزی، یوسف بن عبدالرحمن، **تحفة الأشراف بمعرفة الأطراف**، تحقیق: عبدالصمد

- شرف الدين، بی جا: المكتب الإسلامي و دار القيمة، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۳۲. نووی دمشقی، یحیی بن شرف، **الأذکار**، تحقیق: عبدالقادر الأرنؤوط، ریاض: نشر دار الهدی، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
۳۳. نووی دمشقی، یحیی بن شرف، **الأذکار**، تحقیق: محیی الدین متقی، دمشق و بیروت: دار ابن کثیر، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۳۴. نووی دمشقی، یحیی بن شرف، **المجموع؛ شرح المہذب**، بیروت: دار الفکر، ۱۹۹۷م.
۳۵. نیشابوری، مسلم بن حجاج، **صحیح مسلم**، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار إحياء التراث العربي، بی تا.
۳۶. ہندی الکیرانوی، رحمت اللہ بن خلیل الرحمن، **إظهار الحق**، تحقیق: عبداللہ بن انصاری، دوحہ: إحياء التراث الإسلامي، بی تا.

سایت‌ها

1. <http://shamela.ws>
2. <http://wiki.ahlolbait.com>
3. <https://ar.wikipedia.org>